



نظری بوضع داروودرمان

درگذشته



درموقع ورودمن باصفهان چند نوع روش درمانی معمول بود بقرارذیر :

۱- طب جدید که مطابق معمول طب فرنگی بر روش درمان بوسیله اعداد قرار گرفته که اصطلاحاً آنرا «الوپاتی» Allopathy نامند و طب رایج فعلی است.

۲- طب «سنتی» یا قدیم که بر مبنای مکتب‌های قدیم و فلسفه‌های مربوط به آن و بیشتر بر اصل درمان با مواد طبیعی مخصوصاً «گیاهی» و گاهی اوقات «حیوانی» یا معدنی قرار داشت .

۳- روش‌های دیگر که کمتر معمول بود ولی تك تك طرفدارانی داشت از قبیل طب هوموپاتی Homopathy (یا معالجه مثل به مثل) و طب دوازده ملجی یا طب شوسلر Schussler که پیدایش بیماریها را بر اساس کمبود املاح مختلف مخصوصاً دوازده ملج یا عنصر مهم طبیعی میدانست و در آخر مقال باین دو نوع طب اشاره خواهم کرد.

۴- طب «عوام» که بر مبنای تجارب معمرین - اعم از مکتوب یا غیر مکتوب قرار داشت و یا مخلوطی از تجارب اینگونه مردم و طب سنتی یا قدیم بود و در اکثر خانواده‌ها رواج داشت .

البته خوانندگان میدانند که در ایران ضرب‌المثلی است که «هر ایرانی از سه هنر حتماً کم و بیش اطلاع دارد و در آن‌ها صاحب نظر است: یکی طبابت است که هر کس هم طبیب خودش

است و هم درباره تشخیص و درمان و هدایت بیماران دیگر اظهار نظر می کنند. دوم آوازه خوانی است که هر کس از آن بهره مند است و سوم معماری است و اظهار نظر در ساختمان و مسکن مخصوصاً درباره دیگران،

گنج‌های داروئی خانوادگی

بنابر اصول فوق جای تعجب نخواهد بود اگر بگوئیم که در زمان قدیم و شاید هم تا حدودی در زمان حال - همه کس خود را شایسته دخالت در امر طبابت می دانست. عده‌ای از این داروها خانگی و معمول بود که از قدیم در هر خانواده موجود بود از قبیل :

خاکشی برای ناراحتی‌ها ضمه

قدومه شیرازی و تخم شربتی یا تخم بالنگو برای تبرید و خنك کردن مزاج

ورفع عطش

گزعلفی و گز خوانساری و ترنجبین و شیرخشت و شکر سرخ برای نرم کردن مزاج و شیرین کردن جوشانده‌ها و گاه تبرید روغن بادام شیرین و عناب برای تلیین و خنکی

مغز ناخنك (اکلیل) و خارخاسك برای تب‌بر

شاه‌تره، افسنتين، گل‌بومادران برای دردهای شکمی.

آویشن شیرازی و هم‌چنین پونه‌کوهی یا کاکوتی (که در اصفهان آنرا مشک‌ترامشك یا طرا مشیع نیز می‌گفتند) برای نفخ و درد شکم مخصوصاً پس از خوردن باقلا و لوبیا و سیب زمینی.

بارهنك برای اسهال.

به‌دانه برای سرفه و هم‌چنین گل بنفشه، پرسیاوشان، عناب و سه‌پستان.

گل‌گاوزبان و سنبل‌الطیف و بادرنجبویه برای قلب

گل‌حلوا برای زیاد کردن ادرار و ضد تب

گل و ریشه ختمی و گل پنیرك برای سینه و لیت مزاج

چهار تخم (تخم خیار و خیارچنبر و کدو و خرفه) برای خنکی در تبها

و بالاخره تریاك که دوی هر دردی بوده و هست

معمولاً جز و جهیزیه دختران و هم‌چنین در موقع فرستادن سیمونی (یعنی وسائل مربوط به نوزاد که از طرف خانواده دختر برای خانه شوهر او قبل از زایمان فرستاده می‌شود) نمونه‌ای از هر کدام از داروهای فوق فرستاده می‌شد - و چه خوب رسمی بود که دختر و خانواده‌اش متکفل تهیه تمام وسائل و احتیاجات خانه بودند مگر مخارج یومیه که بعهده شوهر بود! (البته این تکفل و تعهد بر حسب رسوم هر خانواده و عادات هر محل از نظر میزان و طول مدت فرق می‌کرد و معمولاً اسباب دست و آزار کار خانواده تأمین می‌شد و از آن جمله مصرف داروئی معمولی خانواده لااقل برای يك سال).

يك داروی سازگار

از بین داروهای فوق هنوز هم عده‌ای مرسوم است و خاکشی یخ مال را که بسبك رنگی‌ها اخیراً در کاروان‌های حج به‌زائرین خدا می‌خورانند از بقایای آن است و در اینجا بد نیست نکاتی چند درباره این گیاه مفید بومی باطلاع برسانم.

خاکشی (اصفهانی) یا شفتربک (شیرازی) یا سودان (تبریزی) یا شیودان (ترکی) یا خبه (عربی) که گیاه آنرا درمازندران «سلم بی» می گویند دانه گیاهی است بنام لاتین Soba Sisymbrium از تیره شب بوست که گیاه آن بارتفاع ۲۰ سانتیمتر تا یک متر است بابرگهای بریده بسیار و گلهایی بزرگ زرد روشن که در غالب نواحی ایران حتی در باغها و خانهها و دشتهای روید. برای جوشانده گیاه آن وهم چنین تخم آن خواص متعددی در قدیم می شمرده اند ولی فعلاً آنچه بنام «خاکشی» مصرف می شود تخم آن است که قرمز رنگ یا نارنجی تیره بود. و معروف همه است بواسطه خاصیت لعاب دهنده که دارد در درمان بعضی انواع یبوست و اسهال که با اصطلاح طب امروزی آنرا کولیت می نامند مخصوصاً در نوعی که بیشتر با اسهال کاذب همراه است و فوق العاده در بین ما مخصوصاً نزد زنان شایع است بسیار مؤثر است و اینجانب بسیار بآن عقیده دارم و مردم زیادی بآن معتقدند تا جائیکه یکی از همکاران جوان لقب اینجانب را «دکتر خاکشی» گذاشته و من باین لقب افتخار می کنم زیرا از داروئی مصرف می کنم که نه فقط ریان بخش نیست بلکه دارای اثرات مفید و مشخصی است که در بالا ذکر شد و مهم اینکه مال مملکت خودمان است و منافعی که بایران و زارع ایرانی می رود.

البته در اصطلاح «خاکشی مزاج» نیز باشخصی می گویند که باغیان و آدمی سازگاری دارند و مرادف «شیر خشتی مزاج» یا «سیب زمینی مزاج یا بیرگ» است و شاید وجه تسمیه این اصطلاح هم از خواص «خاکشی» گرفته شده است که به بسیاری از مزاجها اعم از سرد و گرم و رطوبتی و خشک می سازد خدا را شکر که گرچه «دکتر خاکشی» هستم «خاکشی مزاج» نیستم.

داروهای بادشکن

یکی از مشکلات فراوان خانواده مخصوصاً کودکان و پر خورها که غذاهای ثقیل و با اصطلاح «باددار» چون حبوبات - میوه جات و سبزیجات خام و غیره میخورند - ابتلا به ناراحتیهای هاضمه و دل درد است که مسلماً از روزی که بشر خود را شناخته و هر چیزی را که در دسترسش بود میخورد موجود بوده است و طبیعتاً داروهای نیز به تجربه برای این عارضه شایع شناخته و استعمال آنرا گسترش داده است - از طرف دیگر چون بعقیده قدام و مخصوصاً توده مردم بیشتر عوارض بیماریها بنام «باد» خوانده می شود (و این بهترین لغتی است که برای تعبیر دردهای گردش کننده و نا ثابت بدون نشانه های عینی واضح بکار می رود) استعمال داروهای که ضد «باد» و یا «بادشکن» باشد طبیعتاً مورد توجه عام قرار گرفت.

البته داروهای «بادشکن» که در طب قدیم مصرف می شود بیشتر برای رفع «بادهای شکمی» و انواع دردهای رماتیسمی غیر مشخص (که بعقیده مردم ارتباط بباد شکم و نفخ دارد و بنظر هم چندان دور از حقیقت نمی آید) بکار می رود و همه آنها از این نظر بسیار نافعند مانند افسنتین شاتره - آویشن شیرازی - کاکوتی - گل بو مادران و نظائر آن که چون در اغلب نقاط ایران می رویند و بر عکس داروهای عطاری دیگر از خارج وارد نشده و همیشه نسبتاً تازه بدست میرسد این داروها علاوه بر تسکین ناراحتیهای هاضمه در دفع انگل های روده ای نیز اغلب مؤثر بوده و اینجانب آنها را توصیه می کنم مخصوصاً که طبق حدیثی که به حضرت رسول منسوب است:

«المعدة بيت كل داء والحمية رأس كل دواء» یعنی «شکم» سر کرده همه بیماریهاست و پرهیز و نخوردن سیر همه داروهاست و چون ما معمولاً نیمه اول جمله مذکور را بیشتر وجهه همت خود قرار داده و از نیمه دوم غفلت می‌ورزیم بیشتر دچار بیماریهای هاضمه و «شکم خوارگی» می‌شویم و احتیاجمان به این «بادشکن»‌ها زیادتر خواهد بود.

جوشانده های فوق مخصوصاً آویشن شیرازی و بونه و نعناع خاصیت اشتها آور نیز دارند و قطعاً عده‌ای از خوانندگان هنوز پیاد دارند سید ضیاء الدین طباطبائی و پیروان او را (حزب اراده ملی یا عنایت ملی) که بجای جای از دم کرده نعنای استفاده می‌کردند و مسلماً فوائد آن و جوشانده‌های مشابه از «کولا» یا «کلا»‌های ساخت خارجه و مونتاژ شده داخله بیشتر خواهد بود مخصوصاً که منافع آن‌ها به جیب هموطنان ما می‌رود و اینها به جیب....

امیدوارم در فرصت مناسبی بمعرفی اینگونه گیاهان دارویی مفید ایرانی

بپردازم.

شاه تره

کلمه‌ای چند نیز درباره یک گیاه بد مزه و مفید دیگر باطلاع خوانندگان برسانم. شاه تره که اسم لاتینی آن *Fumaria OFFicinalis* است و از طایفه نزدیک به تریاک و شقایق بوده و گل‌های آن بنفش و سفید و کوچک و برگ‌های آن دنداندار و سبزی تیره و در همه باغهای ایران و گاه در کنار جاده‌ها می‌روید - گیاهی است معروف و استعمال آن شایع و در تسکین همه دردها مخصوصاً درد های شکمی بسیار مؤثر است - منتها این گیاه نیز مثل رفقای یاد شده‌اش باندازه گیاهان شایع چون «خاکش» و «بادشکن»‌ها بی‌ضرر نیست و باید بمقادیر کم استعمال شود والا سمی است و طعم آن بسیار تلخ.

شاه دارو

البته خوانندگان حدس زده‌اند که منظور نگارنده از این «لقب» تازه درآمده کدام است.

- این همان تریاک خودمان است - که بعلمت اثرات مفید و همه‌جانبه آن و مخصوصاً دسترس بودن آن در تمام خانواده های قدیم تا ۴۰ - ۵۰ سال قبل از تمام داروهای دیگر بیشتر مورد استفاده خانگی داشته و میوه نارس و خش نزده خشک شده آن که بنام «کوکنار» موسوم بود در هر خانه‌ای یافت می‌شد منتها مثل هر داروی مؤثر و مفید استعمال نابجای آن بسیار زیان بخش و گاه کشنده است، مضافاً باینکه بزرگترین عیب آن «اعتیادی» است که در تمام انواع آن وجود دارد و بهمین دلیل مصرف طبی آن بدون اجازه پزشک قانوناً قدغن است - اما پیاد بیاورید زمانی را که در مملکت ما برای هر صد هزار نفر یک پزشک ولو پزشک مجاز موجود نبود و همانطور که در یاد داشته‌های خود عرض کرده‌ام در تمام شهرستان اصفهان و توابع در آنروزگار ۲-۳ پزشک دیپلمه و ۱۰ نفر پزشک مجاز وجود نداشت،

طبق نوشته ای که از آقای عیسی قلی امیر نیرومند بخط خود آوردم در ۵۰ سال پیش در اصفهان و توابع (یعنی شهرستانهای مجاور آن و تمام استان اصفهان و چهارمحال بختیاری و غیره) اطبای زیر به کار مشغول بوده اند:

- ۱- میرزا مسیح خان (دانشور) - حافظ الصحه
- ۲- میرزا محمود خان طبیب ظل السلطان
- ۳- احتشام الحکماء - رئیس صبحیه
- ۴- صدیق الاطباء لقمانی - طبیب نظمیه
- ۵- میرزا احمدخان محبی - پزشك آزاد
- ۶- دکتر مزین السلطان - رئیس بهداری ژاندارمری
- ۷- سید محمد باقر بید آبادی حکیم - درمسجد لبنان
- ۸- حکیمباشی باغبانرانی - (چهرازی)
- ۹- این اواخر دکتر امین اله جلوه - رئیس بهداری قشون (ارتش)
- ۱۰- پزشكهای بیمارستان مسیحی: دکتر کار و دکتر مارابل
- ۱۱- دکتر کاچپیرونی - در بیمارستان خورشید

البته عده دیگر نیز با روش طب قدیم مداوا می کرده اند که مشارالیه نام آنانرا از قلم انداخته است که ما بنام چندتن از آنان اشاره کرده ایم.

بنابراین دریک چنین زمانی و آنچنان شرایطی که همه می دانیم اگر خانواده های ایرانی برای شفای هر دردی از ارزانترین و فراوانترین و مؤثرترین مسکن دسترس خویش که تریاک باشد استفاده نمی کردند از چه می کردند؟

من در اینجا نمی خواهم از استعمال و مخصوصاً کشیدن تریاک بعنوان هوس یا تفنن و نظائر آن دفاع کنم یا آنرا ترویج نمایم زیرا آنانکه مرا می شناسند و نوشتجات مرا خوانده اند می دانند که من همیشه در ردیف اول مبارزان با تریاک بوده ام و شاهد آن مقاله ای است که در سالهای قبل از ۱۳۲۰ در روزنامه محلی نقش جهان اصفهان و بعداً در خواندنیها نوشته ام. اما در جستجوی علت استفاده همگانی خانواده های قدیم ایرانی از این داروی مؤثر نمیتوانم واقعیتها را نادیده انگارم ولی مدافع آن نیستم مخصوصاً که قربانیان استعمال بيمورد این داروی مؤثر بویژه در بین کودکان معصوم فراوان بوده اند چه بسا کودکان زبان بسته ای که با خوردن جوشانده کوکنار برای ابد زندگی را از دست داده اند یا مردمان دیگری دچار اعتیاد به این بلای خانمانسوز شده اند - اما متأسفانه جانشینان «فرنگی» تریاک اعم از هروئین و مشابیهین آن یا سایر داروهای ظاهراً «آرام بخش» اما اعتیاد دهنده نیز دست کمی از سرکرده خود ندارند و چه بسیارند مردمی که خودسرانه یا بدست ما پزشکان دچار مصرف این داروها می شوند و جان و مال و روان خود را تلف می سازند.

شاهدانه

شاهدانه را در اینجا برای این آوردم که ذهن خوانندگان را از نظر تداعی کلمات

متوجه گیاه فراوان دیگری در ایران وهندبنمایم که دانه آن بنام «شاهدانه» جزو آجیل‌های معروف و شب چره‌های ایام عید است ومعمولا با گندم یا جو یا برنج بوداده با یا بدون کشمش مصرف می‌شود و برك و گل و ساقه آن در بعضی نقاط ایران ومخصوصاً در شبه‌قاره هندوستان برای تهیه «بنگ» و «حشیش» و «ماری جوانا» و غیره بکار می‌رود چون مصرف مقدار زیاد شاهدانه نیز ممکن است نوعی گیجی و شنگولی بیار آورد - یاد آوری آن شاید بیمورد نباشد - خوشبختانه در بین مردم ایران (لاقلاً در صفحات ما) خود گیاه شاهدانه مصرف نمی‌شود.

مهر گیاه

سخن به گیاهان شایع خانواده گی رسید بد نیست بطور معترضه چند کلمه‌ای نیز در باره یکی از گیاهان قدیمی که در خانواده‌ها گاهگاه برای مصارف مخصوص استعمال می‌شد وفروشدگان آن معمولا کولیها بوده‌اند اشاره کنم.

این گیاه که ریشه گیاه ماندرراگور Mondragora (از طایفه بلادون و بادنجان و کوجه‌فرنگی) گرفته می‌شود و خواص داروئی آن شبیه به بلادون است یعنی مقادیر کم آن صورت را برافروخته و داغ و چشمها را با حالت و مردمک‌ها را گشاد و خوشگل و مغز را فعال وعواطف را تند و دهان را خشک می‌سازد واحتمالا در اوائل تمایلات جنسی را نیز بیشتر می‌سازد - ولی مقادیر بیشتر آن یا مداومت در استعمال آن نوعی مسمومیت حاد کشنده یا مزمن با نشانه‌های روانی تولید می‌کند که کار را بجنون می‌کشاند. در قدیم از خواص این گیاه که در کوهستانها می‌روید برای افزایش تمایلات جنسی (که بنظر من بیشتر خوشگل‌تر کردن زنان منظور بود لغت بلادون هم اصل اسپانیائی آن BellaDona است یعنی خانم خوشگل و گفتم که خاصیت مهر گیاه از خیلی جهات با بلادون شبیه است و اینداروها را بزنان می‌داده‌اند که جذاب تر شوند چون همه مشخصات جذابیت که گرمی وداغی وقرمزی و التهاب وعطش وگشادی مردمک باشد جز واثرات آنست). و برای افزایش مهر ومحببت و تولید «گرم مزاجی» استفاده می‌شده است - متأسفانه همانطور که گفتم استعمال بی‌رویه آن منجر بهمرك یا جنون می‌شده است وفروشنده آن نیز معمولا کولیان دوره گرد بودند. وجه تسمیه دیگری نیز برای این گیاه به «مهر گیاه» ذکر کرده‌اند و آن شکل ریشه آن است که مانند «دوجفت بهم چسبیده انسانی» است ونامهای خارجی آن نیز اغلب بهمین معنی است.

تبرید

یکی دیگر از عادات توده مردم استعمال جوشانده‌ها یا «عرق‌جات» است که برای تصفیه خون از قدیم معمول بوده و هنوز هم کم و بیش هست از آن جمله عرق‌های بیدمشک - شاهتره - کاسنی - بهار نارنج - که مخصوصاً در شیراز مرسوم است والبته طرز تهیه وآشامیدن آن آداب ورسومی دارد که حتماً باید رعایت شود والا آن اثراتی را که باید نخواهد داشت.

بقیه در صفحه ۲۹

کشور زندگی کرده اند محبتی مخصوص و مهری
شایان توجه بایران دارند مثلاً بعضی از سفراء
انگلیس که به ایران آمده اند و یکی دوتای
آنها را در لندن ملاقات کرده ام و احیاناً
میهمان آنها بوده ام به زبان فارسی و کشور
ایران و شاه ما علاقه نشان میدهند و آرزوی
دیدار مجدد این کشور را دارند. بنده خودم
دوست استادی دارم که فرانسوی است و در
دوره رضاشاه کبیر در دارالمعلمین عالی تدریس
میکرد این شخص اکنون در دانشگاه کلمبیا
در نیویورک استاد ادبیات فرانسه است.
نام این استاد ژان هیتیه میباشد که شاعر

و نویسنده عالی قدری است. با مقدار کمی
فارسی که بخاطرش مانده سعی میکرد با فارسی
شکسته خود با ما صحبت کند.
همین شخص تألیفات زیادی دارد
که در یکی از تألیفات خود آنرا تقدیم بمرحوم
علاء نموده است.

دختر آقای ژان هیتیه در تهران متولد
شده و اکنون از استادان یکی از دانشگاههای
امریکا است. همسر آقای هیتیه از نام ایران
لذت میبرد و هر بار که اسمی از ایران برده
میشود یاد آور خاطرات گذشته او در ایران
است و اشک در چشم او حلقه میزند.

بقیه از صفحه ۲۴

این «عرق جات» که مانند گلاب با دستگاه قرع و ابلیق وطنی تهیه می شود - عرق گیاهان
مختلف را در فصول مناسب که معمولاً فصل بهار است می گیرند و یکی از صادرات شیراز بشمار
می رفت - عرق بهار نارنج و عرق بیدمشک چون معطر است برای تقویت قلب (مقصود ناراحتی های
عصبی قلبی و عروقی است) مفید بود. و گاهگاه مخلوط با شکر بنام «مبرد» و خنک کننده
مصرف می شود - آب انار و شربت آلبالو و آب زرشک و جوشانده تمر هندی یا تمر گجرات
نیز همین خاصیت ها را دارد. از خنک کنندگان دیگر آب «آلو» است که در بیشتر شهرستان های
ایران مرسوم بود. و بواسطه خاصیت تلیین و پتاسیمی که داراست شربت گوارائی است. این
«آب آلو» و سکنجبین و معادل درجه دوم آن که «سرکه شیر» باشد از بهترین مشروبات گوارا
خنک کننده است و بسیار بجاست اگر بجای «کولا» های مختلف رواج یابد - مشروط به اینکه
در تهیه و عرضه آن رعایت امانت و بهداشت گردد از خیسانده دیگر میوه جات که در ردیف
«آب آلو» در بین مردم شایع است و خاصیت تلیین بسزا دارد آب انجیر - آب پر (که
مقصود بر که زرد آلو و هلو است) است که اولی مخصوصاً از بهترین داروهای ملایم تلیین
دهنده است.

يك خنك کننده جالب

یکی از خنک کنندگان که بعنوان ضد تب و مدر در تبها مصرف می شده و می شود
«ماء الشعیر» است که عربی «آب جو» است و آن بوسیله خیساندن جوی پوست کننده در آب
و کمی جوشاندن آن است بطوریکه لعاب پیدا کند - این مشروب در اغلب تبها مفید و هم
بعنوان دوا و هم غذا بکار می رود و در اشخاص تب دار که فاقد اشتها هستند هم مشروب است
و هم غذا و هم دارو (زیرا مدر خوبی است) - البته «آب جو» را نباید با «آبجو» اشتباه
کرد که آن مشروب الکلی است و از تخمیر جو بدست می آید.
(ادامه دارد)